فَكَّرَ مِهرانُ حَولَ هٰذِهِ الْمُشكِلَةِ، فَذَهَبَ إلىٰ مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفارِسِيِّ وَ شَرَحَ لَهُ الْقَضِيَّةَ وَ
مهران پس از مدتی این مشکل فکر کرد، و رفت نزد معلم ادبیات فارسی و موضوع را برای او شرح داد و
قالَ: أُحِبُّ أَنْ أَكتُبَ إنشاءً تَحتَ عُنوانِ «في مَحضَرِ الْمُعَلِّمِ»؛ فَوافَقَ الْمُعَلِّمُ عَلىٰ طَلَبِهِ، وَ
گفت: دوست دارم که بنویسم انشایی را تحت عنوان «در حضور معلم»؛ پس معلم با خواسته اش موافقت کرد و
قالَ لَهُ: إنْ تُطالِعْ كِتابَ «مُنْيَةِ الْمُرِيدِ» لِـزَينِ الدّينِ الْعامِليِّ «الشَّهيدِ الثّانِي» يُساعِدْكَ عَلىٰ
گفت به او: اگر مطالعه کنی کتاب «منیة المرید» برای زین الدین عاملی «شهید دوم» کمک می کند تو را به
كِتابَةِ إنشائِكَ؛ ثُمَّ كَتَبَ مِهرانُ إنشاءَهُ وَ أَعطاهُ لِـمُعَلِّمِـهِ. فَقالَ الْمُعَلِّمُ لَهُ:
نوشتن انشایت؛ سپس نوشت مهران انشایش را و به معلمش داد آن را. پس گفت معلم به او:
إنْ تَقْرَأْ إنشاءَكَ أَمامَ الطُّلّابِ فَسَوفَ يَتَنَبَّهُ زَميلُكَ الْمُشاغِبُ.
اگر بخوانی انشایت را در برابر دانش آموزان پس آگاه خواهد شد همکلاسی اخلالگرت.
وَ هذا قِسْمٌ مِن نَصِّ إنشائِـهِ:
و این قسمتی از متن انشایش است:
... أَلَّفَ عَدَدٌ مِنَ الْعُلَماءِ كُتُباً في مَجالاتِ التَّربِيَةِ وَ التَّعليمِ، يَرتَبِطُ بَعضُها بِالْمُعَلِّمِ، وَ
تالیف کردند تعدادی از دانشمندان کتاب هایی را در زمینه های تربیت و آموزش برخی از آنها مربوط به معلم و
الْأُخرىٰ بِـالْمُتَعَلِّمِ؛ وَ لِلطّالِبِ في مَحضَرِ الْمُعَلِّمِ آدابٌ، مَن يَلْتَزِمْ بِـها يَنجَحْ؛ أَهَمُّـها:
برخی دیگر مربوط به دانش آموز و دانش آموز در حضور معلم آدابی دارد هر کس پایبند باشد به آنها موفق می شود؛ مهمترین آنها:
١ أَنْ لا يَعصِيَ أَوامِرَ الْمُعَلِّمِ.
١) این که سر پیچی نکند از دستورات معلم
٢ اَلِاجْتِنابُ عَنْ كَلامٍ فيهِ إساءَةٌ لِـلْأَدَبِ.
٢) دوری کردن از سخنی که در آن بی ادبی است.
٣ أَنْ لا يَهْرُبَ مِن أَداءِ الْواجِباتِ الْمَدرَسِيَّـةِ.
٣) که فرار نکند از انجام تکالیف درسی.
٤ عَدَمُ النَّـومِ فِـي الصَّـفِّ، عِندَمـا يُدَرِّسُ الْمُعَلِّمُ.
٤) نخوابیدن در کلاس، هنگامی که معلم درس می دهد.
٥ أَنْ لا يَتَكَلَّمَ مَعَ غَيرِهِ مِنَ الطُّلّابِ عِندَما يُدَرِّسُ الْمُعَلِّمُ.
٥) که صحبت نکند با سایر دانش آموزان هنگامی که معلم درس می دهد.
٦ أَنْ لا يَقطَعَ كَلامَـهُ، وَ لا يَسْبِقَـهُ بِـالْكَلامِ، وَ يَصْبِرَ حَتّىٰ يَفْرُغَ مِنَ الْكَلامِ.
٦) که قطع نکند سخن او را، و پیشی نگیرد از او در سخن گفتن و صبر کند تا معلم سخن گفتن را رها کند.
٧ اَلْجُلوسُ أَمامَـهُ بِأَدَبٍ، وَ الْاسْتِماعُ إلَيهِ بِدِقَّةٍ وَ عَدَمُ الِالْتِفاتِ إلَى الْوَراءِ إلّا لِـضَرورَةٍ.
٧) نشستن در برابر او با ادب، و گوش دادن به او با دقت و برنگشتن به پشت مگر برای ضرورتی